

فرهنگ واژگان جنوب کرمان

با پیوست واژه نامه‌ی موضوعی (دسته بندی‌های درون مایه‌ای)

زمان صادقی

نشر فرهنگ

سرشناسه: صادقی، زمان، ۱۳۵۸.
عنوان و نام پدید آور: فرهنگ واژگان جنوب کرمان/ زمان صادقی.
مشخصات نشر: کرمان، انتشارات فرهنگ عامه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص، جدول.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۴۹-۱۹-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
پایه اشت: واژه نامه.
موضوع: کرمانی، واژه نامه ها.
رده بندی کنگره: PIR ۳۰۲۴ / ص ۷۳ ک ۷
رده بندی دیسی: ۸۴۴
ماره کتابخانه ملی: ۴۰۵۵۷۹۴

دفتر نشری: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، رویروی پاساژ مهستان
پنجاه و یک سالگرد بنیاد فرهنگ عامه، ۱۰، واحد ۴، تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۴۸
دفتر کرمان، خیابان شهید باهنر (ناقص)، ساختمان میلاد نور، طبقه دوم
Email: Farhange_ame@yahoo.com ۰۹۱۳۹۳۹۸۷۳۳

فرهنگ عامه فرهنگ واژگان جنوب کرمان زمان صادقی

آوا نویسی و رسم الخط فارسی: دکتر یحیی خاکی
حروف چینی: خالد صادقی کهن، علی میرزایی، مهدی میرزایی و زمان صادقی
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴
قیمت: ۲۲۵۰۰۰ ریال
طرح روی جلد: مجید جرجندی
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۵۴۹-۱۹-۳

ISBN 978-600-7549-19-3

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

زبان ابزار پیچیده‌ی شگفت‌آوری است که مردم سخن‌ها، پندارها و آرزوهای خود را با آن برای همدیگر بازگو می‌کنند. زبان‌های گسترده در جاها و سرزمین‌های گوناگون به شیوه‌ها و گونه‌های زیادی به گفتار در می‌آیند. گروهی از مردم که به یک زبان سخن می‌گویند اگر چه دور از هم زندگی می‌کنند دارای یک زبان هستند بر پیمای این دینگاه زبانی که مردم یک سرزمین با آن گفتگو می‌کنند گویش می‌گویند در این راستا گویش را باید برابر با زبان بومی دانست از نگاهی دیگر گویش نمای نگرگون‌شده‌ی یک زبان است که برای دیگر گویشوران آن زبان به‌کار می‌رود. گویش دیگر پنداشته می‌شود اگر زبان و گویش را در برابر هم بررسی کنیم به این پاسخ می‌رسیم که گویش در برابر زبان از سخن-گویند کمتری برخوردار است و گستردگی قلمرو آن از زبان بسیار کمتر است. گویش در برابر دیگر گویش‌ها و زبان‌های خویشاوند یا نزدیک خود از دینگاه واژگان، آوا و دستور زبان به اندازه‌ای نامحسوس‌تر باشد که دیگر گویشوران آن را ندانند زبانی جدا است.

واژگان زبان، سبب پیشوانمی زبان، فرهنگ و هنر مردم هستند که با هم در آن‌ها به گوشه‌های تلریک پنهان و آشکار زندگی آن‌ها دست می‌یازد. از نمایی دیگر واژگان از بزرگترین نشانه‌های فرهنگ و زندگی مردم اند. خویشاوندی، کشمکش و اندیشه‌های مردم را در گفتار باید در واژگان آن‌ها دید. نگرگونی‌های زبانی، دستوری، آوایی و دستوری در روی واژگان پدید می‌آید. امروزه پیشرفت پرشتاب فناوری، تشریح زندگی مردم را به گونه‌ای نگرگون کرده‌است که بسیاری از واژگان کارایی خود را از دست داده‌اند. پیشرفت‌های گوناگون زندگی مردم خواسته یا ناته‌آمته واژگان زیادی را از چرخه‌ی زبان بیرون کرده‌است. براساس به پیشرفت‌های کشاورزی و دامداری بخش‌های زیادی از واژگان را به نام اموشی سپرده‌است هر چه زمان نگارش فرهنگ واژگان بخش‌های زبان به زمان‌های جلوتر واگذار شود بخش‌های بیشتری از آن‌ها از میان می‌رود.

فرهنگ واژگان هر زبان کموبیش دارای قلمرو زمینی و مکتبی است از این دینگاه مردم هر سرزمینی برای زندگی خود واژگان ریزد ای دارند که تنها در آن‌جا کاربرد دارد بنابراین هر گروه از مردم که در بیابان، کوه، دشت و جلگه زندگی می‌کنند کم و بیش واژه‌های جداگانه‌ای برای خود دارند و یا پاره‌ای از واژگان‌شان در برابر دیگر

جاها کارایی بیشتری دارد. برای این هیچ کسی نیست که با همی
واژگان زبان آشنا باشد یا همه آن‌ها را به‌کار ببرد.

هر چه مردم یک کشور پیشرفت‌های بیشتری در زندگی امروزه
داشته‌باشند و بتوانند کالاهای و دستاوردهای فرهنگی‌شان را برای مردم
دیگر کشورها بفروشند قلمرو زبانی آن‌ها در برابر دیگر زبان‌ها و
گویش‌ها گسترده‌تر می‌شود همچنین اگر مردم هر سرزمین یا کشور در
زمینه‌های گوناگون زندگی پیشرفت‌های فرهنگی‌شان کند بقدر قلمرو
زبانی آن‌ها هم خوبه‌خود کمتر و کوچکتر می‌شود تا جایی که آن زبان
زیر گستره‌ی زبان‌ها و گویش‌های دیگر از میان می‌رود.

زبان‌ها و گویش‌های ایرانی اگر بخواهند در برابر واژگان بیگانه‌ای
که به زبان‌شان راه پیدا کرده‌اند ایستادگی کنند نیاز دارند که گنجینه‌ی
واژگان زبان خود را هر روز توانمندتر کنند برای به‌روزرسانی زبان
باید فرهنگستان و دیگر نهادهای فرهنگی تلاش کنند واژگان بجا مانده‌ی
گویش‌های ایران را که در پرتگاه نابودی هستند از راه رسته‌های
گونگون به‌کارگیری و پخش کنند.

راه زبان درباری یک کشور در زمینه‌های هنری، فرهنگی و
زبان‌ی در دام‌گیری زبانی شود گویش‌ها و خرده فرهنگ‌های مردم
این اتایی را دارند که با سایش دادن و کوچک کردن واژگان خود تا
جایی زبان در برابر این گونه برخورد‌های زبانی ایستادگی کنند.
بنابراین تنها راه‌های ایرانی بلکه همی زبان‌ها و گویش‌ها برای
افزایش گنجینه‌ی زبان خود نیازمند واژگان خرد فرهنگ‌ها هستند.

گستره‌ی گویش‌ها در سرزمین (آب و خاک) جنوب کرمان در گذر
زمان دو شاخه‌ی گویش گرمسیری سرشمیری نزدیک به هم را پدید
آورده است که این دو شاخه را واپسین هزاره‌ی زبان پارسی به
مرشاهه زبان‌های جنوبی ایران می‌رسند که خود این شاخه بزرگ
دنباله شاخه‌ی باختری (غربی) زبان‌های ایرانی میانه (پهلوی ساسانی)
می‌رسد باز این شاخه دنباله زبان پارسی ایران باستان است.

بیشتر زبان‌شناسان درباره شاخه‌ی واپسین زبان‌های ایرانی بر
این باوراند که اگر به گستره‌ی گویش ایران که از شمال باختری
(مسلمان) تا جنوب خاوری (جازموریان) کشیده شده است نگاه کنیم
زبان‌های ایرانی به دو شاخه‌ی خاوری (شرق) و باختری (غربی)
دسته‌بندی می‌شوند سرزمین‌های آغاز و پایان که به نسبت چون آب و
خاک آن‌ها برای زیست سازگارتر است و دیگر چون که این زبان‌ها
ها در گذر زمان سر راه برخورد و کشمکش فرهنگی گوناگون
بوده‌اند بیش از دیگر گویش‌های زبان پارسی امروز ایران خوب مانده
های زبانی و واژگانی بیشتری با گویش‌های زبان‌های همسایه دارند.

پایمی این دیدگاه گویش‌های کناره‌های جازمورین و هلیلرود (رودبار زمین) همگونی و همسانی واژگانی و زبانی زیادی با گویش‌های بشارگردی، هرمزگتی، کرمانی، بلوچی و سیستانی دارند برای هر چه بهتر روشن شدن این گمانه‌زنی‌ها هنوز باید بیشتر پژوهش کنیم. یکی از نخستین نیازهای امروزی هر زبان یا گویش فرهنگ واژگان است دیگر دست‌نوشته‌های چاپی جنبه‌ی هنری و سرگرمی دارند نداشتن این کار از پیامدهای کهن فرهنگی بشمار می‌آید هر پژوهشگر ایرانی اگر واژگان گویش خود را با زبان پارسی بسنجد به بسیاری از همگونی‌ها و ناهمگونی‌های زبانی پی می‌برد در این راستا نگارنده که در دهه‌ی هفتاد کارشناسی زبان فارسی در دانشگاه را می‌گذرانتم به بسیاری از این ویژگی‌های زبانی و فرهنگی پی بردم و از زمان کار یادداشت‌برداری واژگان و دیگر هنرهای زبانی را آغاز کردم. آن سال که در سال ۸۳ پایان‌نامه‌ی خود را در همین زمینه به نام فرهنگ عامیانه‌ی مردم قلعه‌گنج به پایان رساندم پس از پایان دانشگاه کار را با این نام ادامه دادم و توان دوباره آغاز کردم و آن را در سال ۸۶ با همان نام به چاپ رساندم. پس از چاپ با پذیرفتن این گونه کارها در میان مردم دانشگاه بیان بر آن شدم تا این کار را به گونه‌ای گسترده‌تر از کار پیشین در جای دیگر بتوانم هست پیش ببرم پس از آن با همین رویکرد از دهه ۹۰ به بعد به گردآوری واژگان را آغاز کردم. از آنجایی که همگی زبان زبانی یک پژوهشگر برای گردآوری واژگان یک گویش نیاز داشت از بسیاری از دوستان راهنمایی و همکاری خواستم پس از آن دیگر هر جا وادی به گوشم می‌خورد یا آن را در جایی می‌دیدم به یادداشت می‌گذاشتم و کردم گاهی تلم بومی واژه‌ای را نمی‌دانستم چندین سال به دنبال آن می‌گشتم تا در جای به آن برمی‌خوردم! برای نمونه واژه "ارغب" را که به خرمای تازه رسیده می‌گویند چون پارسی و ایرانی نبود و با طایفه‌ی مناسبت نمی‌توانستم بنویسم پس از چند سال در جایی به آن برخورد کردم و متذکرتم که یا سرخال در همان بار نخست پیشینه و کهنی واژه را برانگاشتم و یادداشت کردم.

پس از آن که یکم دست‌نوشته‌هایم زیاد شد آن‌ها را بر پایان‌نامه‌ی فارسی از واج نخست تا پایان دست‌نبدی کردم و سپس کار را بر سر می‌ریختم تا با همکاری دوستان آغاز کنیم چند سال پس از حروف‌چینی و چاپ که کار به بخش‌های کوچک و بزرگ در می‌آمد آن‌ها را به پژوهشگران و هنرمندان دیگر شهرستان‌های جنوب استان کرمان دادم تا واژگان ننوشته را به آن بپردازند کار پایان‌شدنی نبود و نمی‌شود برای

این بر آن شدم تا هرکجا که کار رسیده‌ام آن را چاپ کنم و دیگر
واژگان بجامانده را در چاپ‌های آینده به آن بیفزایم.
از ویژگی‌های بارز این فرهنگ باید گفت:

- تلاش شده‌است تنها واژگان کهنه و بومی این مرز و بوم
یادداشت شود و از بهکار بردن دیگر واژگان پرکاربرد
پارسی ایرانی خودداری شود.
- پسامند واج‌های واژگان گویش‌های بومی این فرهنگ به
گونه‌ای است که نزدیک به ۳۰٪ واژه‌ها با ۳ واج
"پ"، "گ" و "ج" آغاز می‌شود.
- نگارش و آوانویسی واژگان این فرهنگ (بوژه
مصدرها) که آوا و گفتار آن‌ها به چند لهجه است بیشتر
به پایه‌ی گویش و لهجه‌ی "تَن‌آتن" یا "آر‌مانارم" می‌باشد
چون در جنوب استان کرمان این گویش بیشترین گویش-
ور را دارد و نوشتن پارسی امروزی آن ساده‌تر است.
- واج‌های "هن"، "هن"، "ط"، "ط"، "ح" و "ق" در
واژگان این گویش‌های نیست.
- این کار نمایی از فرهنگ واژگان جنوب خوری ایران
است که می‌توان آن را مرز پیوستگی زبان پارسی و
بلوچی دانست.
- هنگ جدای از چیدمان واجگانی واژه‌ها از واج
نست واج پایانی واژه در پایان به شیوه‌ی درون‌ملیه-
ای (شوازی) نیز دستمبندی شده‌است تا خوانندگان و
مخبرین گرامر زوشت به واژگان دلخواه خود برسند.

۹۴/۴/۱۴

زمان صالقی

منابع

- بررسی گویش جیرفت و کهنوج، اسلام نیکخفس دهقانی، کرمان، انتشارات کرمان‌شناسی، چاپ اول ۷۷
- فرهنگ جامع هرمزگان، منصور نعیمی، مشهد، انتشارات منبلا، چاپ اول ۸۶
- هزار مثل جیرفتی، حسین رفعتی، کرمان، انتشارات کرمان‌شناسی، چاپ اول ۷۹
- فرهنگ عامیانه مردم قلعه‌گنج، زمان صالقی، کرمان، انتشارات ولی، چاپ اول ۸۶
- فرهنگ گویش رابر بافت، مرحوم ولی الله آینه نگینی، کرمان، انتشارات کرمان‌شناسی، چاپ اول ۸۲
- فرهنگ مردم میناب، سهراب معیدی، تهران، انتشارات، ایلشن، چاپ اول ۸۶
- فرهنگ فارسی، محمد معین، تهران، انتشارات ماحل، چاپ اول ۸۲
- قافیه و عروض، فیضی فاضلی، ایوب ایوبی، تهران، انتشارات جاهد، چاپ اول ۸۴
- رستنی‌های بشاگرد، جوان شیر، تهران، چاپ ۸۳
- مجموعه شعر محلی جنوب استان کرمان، منصور علی‌مرادی، کرمان، انتشارات عامه، چاپ دوم ۹۲